بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم قم - 19 /دی/ 1404

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم
و الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین سیّما بقیّة الله فی الارضین.
خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، مردم شریف و مؤمن و انقلابی قم. در اینکه روز نوزدهم دی یک برگ جدانشدنی از کتابِ قطور تاریخِ افتخاراتِ ایران است، شکی نیست ؛ یک روز افتخارآمیز است برای همه‌ی تاریخ. درست است که نهضت از نوزدهم دی آغاز نشد ؛ نهضت اسلامی از پانزده سال قبل از نوزدهم دی، به رهبری امام عزیزمان آغاز شد. در مدّت این پانزده سال، بیانات امام، حکمت امام، سخنرانی‌های امام ــ که پی‌درپی، در طول زمان، به ذهنیّت جامعه‌ی ما سرازیر میشد ــ همچنین [طرح] اندیشه‌ی اندیشه‌ورزان اسلامی ما در مناطق مختلف کشور با جوانها، در مساجد، در مراکز گوناگون، اینها همه به معارف نهضت قوام بخشید. این درست است ؛ یعنی مباحث نظری نهضت اسلامی، در طول پانزده سال، روزبه‌روز در ذهن مردم قوام بیشتری پیدا کرد لکن برای اینکه این گنجینه و ذخیره‌ی فکری و نظری به یک تحرّک اجتماعی تبدیل بشود، یک حادثه‌ی مهم و مؤثر لازم بود. فکرها در ذهنها بود، افکار و معارف نهضت و مبانی نهضت در دلهای جمع کثیری از مردم ــ نمیگویم همه‌ی مردم، امّا در دل جمع کثیری از مردم ــ رسوب کرده بود و با مبانی نهضت آشنا بودند امّا این نهضت باید تحقّق پیدا میکرد، باید به فعلیّت میرسید و آن مفاهیم ذهنی باید تبدیل میشد به یک واقعیّت عینی، به یک حرکت. برای این کار، یک جرقه‌ای لازم بود ؛ مثل اینکه فرض بفرمایید یک مجموعه‌ی عظیمی باروت در سرتاسر کشور وجود دارد، باید اینها مشتعل بشود ؛ حادثه‌ی قم این نقش را ایفا کرد، نوزدهم دی این نقش را ایفا کرد،آن ذهنیّتها را تبدیل کرد به حرکت. البتّه حادثه‌ی قم جرقه نبود، صاعقه بود که از آسمان با اراده‌ی الهی فرود آمد. حادثه‌ی قم بظاهر یک حادثه‌ای بود که در یک روز، دو روز، سه روز انجام گرفت و تمام شد، امّا باطن قضیّه این نبود. حادثه‌ی قم، به دنبال خود، این جریان را به راه انداخت ؛ آمد تبریز، آمد شهرهای دیگر، آمد سرتاسر کشور و ناگهان کشور مشتعل شد ؛ کار حادثه‌ی قم این بود.
اینکه میگویم «صاعقه بود»، دلیلش این است که در طول کمتر از حدود یک سال بعد از نوزدهم دی، در دی‌ماه سال بعد، سلطنت از ایران بکلّی ازاله شد. وقتی این ازاله‌ی حکومت پهلوی به وقوع پیوست ــ که یک حکومتی بود که هم وابسته بود، هم فاسد بود، هم ضعیف بود، هم ظالم بود ؛ بدترینِ حکومتها ؛ یعنی شاید واقعاً حکومتی بدتر از حکومت پهلوی در این اواخر در دنیا ما سراغ نداریم ــ وقتی این‌جور اتّفاقی افتاد، آن وقت زمینه آماده شد برای اینکه یک حکومت مردمی و اسلامی به وجود بیاید ؛ همان چیزی که وعده‌ی آن را امام بزرگوار ما داده بود. در بیانات امام، اشاراتی به این وجود داشت که به جای حکومت فاسد، حکومت مردمی بیاید ؛ به جای دیکتاتور، مردم حاکمیّت پیدا کنند ؛ به جای وابستگی به آمریکا و به صهیونیسم و به همه‌ی اراذل و اوباش عالم سیاست، یک حکومت مستقل و سربلندی سر کار بیاید. [با حادثه‌ی قم،] زمینه برای این کار آماده شد.
این نکته را هم من بگویم که حادثه‌ی کوبنده‌ی قم را در واقع سیاستهای غلط خود رژیم پهلوی تسبیب کرد و مسبّب شد ؛ خودشان زمینه‌ی زوال خودشان را فراهم کردند ؛ خودشان خودشان را بدبخت کردند ؛ چطور؟ با خطای محاسبات، با محاسبات غلط، با خطای محاسباتی ؛ این خطر بزرگی است برای همه‌ی دولتها. امروز هم آمریکا دچار خطای محاسباتی است ؛ امروز آمریکا غلط میفهمد مسائل را، محاسبه‌اش اشتباه و غلط است. آن روز هم، هم آمریکا که پشتیبان رژیم پهلوی بود، هم پهلوی، خطای محاسباتی داشتند، اشتباه میفهمیدند. تقریباً ده روز قبل از حادثه‌ی نوزدهم دی، فقط ده روز قبل از این حادثه، رئیس‌جمهور آمریکا در تهران، (1) در جشن ژانویه‌ی دربار پهلوی یک نطقی کرد ؛ سرش گرم بود ؛ با انواع مُسکرات و مانند اینها سرش گرم بود. در آن نطق گفت: «ایران جزیره‌ی ثبات است». ده روز بعد قضیّه‌ی قم اتّفاق افتاد ؛ این نشان میدهد که اینها ایران را نمی‌شناختند. گفت: «ایران جزیره‌ی

ثبات است» ؛ از شاه تعریف کرد، تمجید کرد، گفت ایران این‌جوری است، ده روز بعد قضیّه‌ی قم اتفاق افتاد. ایران را نمی‌شناختند، هنوز هم نمی‌شناسند ؛ دشمنان ما، ایران را نشناختند و غلط برنامه‌ریزی کردند، امروز هم نمی‌شناسند و غلط برنامه‌ریزی میکنند ؛ آن روز بر اثر برنامه‌ریزی غلط شکست خوردند، امروز هم آمریکا بر اثر برنامه‌ریزی‌های غلطِ خود شکست خواهد خورد.

خب، اینها حقایق تاریخی است ؛ این مطالبی که عرض کردم تحلیل نیست، اینها واقعیّتهایی است که هر کسی مسائل کشور را در آن دوره ــ که اغلب شما جوانها آن دوره را ندیده‌اید ــ مطالعه کند برایش روشن میشود ؛ اینها حقایق تاریخی است. خب، حالا از این حقایق تاریخی باید ما درس بگیریم. حقایق تاریخی قصّه که نیست ــ از قصّه هم باید درس گرفت ــ [امّا] باید درس بگیریم. این درس را من در چند جمله عرض میکنم:

آن روز، ملّت ایران نه توپ داشت، نه تانک داشت، نه موشک داشت، سلاح سخت نداشت، امکاناتی نداشت امّا پیروز شد ؛ چرا؟ در حالی که طرف مقابل، هم توپ داشت، هم تانک داشت ؛ تانکش را به خیابان آورد، آتش کرد امّا مغلوب شد. ملّت ایران پیروز شد، بدون اینکه سلاح سخت در اختیار داشته باشد ؛ او مغلوب شد در حالی که سلاح سخت داشت ؛ چرا؟ علّت این است که بله ملّت ایران سلاح سخت نداشت امّا سلاح نرم داشت ؛ سلاح نرم در همه‌ی میدانها تعیین‌کننده‌تر است. سلاح نرم ملّت ایران چه بود؟ سلاح نرم ملّت ایران غیرت دینی بود، غیرت ایمانی بود، احساس مسئولیّت و وظیفه‌ای بود که امام بزرگوار به او محوّل کرده بود و از آنها خواسته بود. امام حتّی از علما و مراجع بزرگ هم مسئولیّت خواست، فریاد زد: «ای نجفِ ساکت، ای قمِ ساکت»! (2) مسئولیّت میخواست، مردم [هم] این مسئولیّت را بر دوش خودشان احساس میکردند. سلاح نرم ملّت ایران عشق به ایران بود، عشق به کشورشان بود. میدیدند که مأمور آمریکایی، مزدور آمریکایی، در داخل کشور حکمرانی میکند، کمااینکه متأسّفانه امروز در بعضی از کشورها، مأمور آمریکایی دستور میدهد: «این کار را بکنید، این کار را نکنید، این را بگذارید، این را نصب کنید، این را عزل کنید»! آن روز ایران این‌جوری بود، این را مردم میفهمیدند، میدیدند. البتّه همه‌ی مردم در مجموعه‌ی سیاسی بالا قرار نداشتند امّا خبرها به مردم میرسید، میفهمیدند. آن روز مردم، خیانت کارگزاران ایرانی به وطنشان را ــ که در واقع کارگزاران آمریکایی بودند ؛ ایرانی بودند، امّا برای آمریکا کار میکردند ؛ ایرانی بودند، امّا برای رژیم صهیون کار میکردند ــ میدیدند، میفهمیدند، عصبانی میشدند، خشمگین میشدند، این در دلهایشان متراکم میشد. وقتی که نهضت شروع شد، این خشمِ متراکم ظهور کرد، بُروز کرد، خودش را نشان داد. این سلاح معنوی بود، سلاحِ نرم بود. عمده‌ی سلاحِ معنویِ مردم، ایمانِ آنها به اسلام بود. میدیدند که دستگاه علناً و پی‌درپی علیه اسلام موضع میگیرد: تاریخ هجری را عوض کردند، مفاهیم اسلامی را تغییر دادند، کتابهای مدارس را غیر اسلامی کردند، مفاهیم غیر اسلامی را ترویج کردند ؛ اینها را مردم میدیدند ؛ اینها را افراد آگاه و هوشیار متوجّه میشدند و به مردم منتقل میکردند. این سلاح معنوی بود ؛ این سلاح معنوی، در مقابله و مواجهه‌ی با سلاح سخت، با توپ و تانک، بر آن سلاح پیروز شد.

خب، اینها مربوط به گذشته است. من میخواهم عرض بکنم که امروز ملّت ایران مجهّزتر و مسلّح‌تر از آن روز است ؛ امروز، هم سلاح معنوی‌مان از آن روز قوی‌تر و مجهّزتر و آماده‌تر است، هم سلاح سخت و ظاهری و مادّی متعارفمان قابل مقایسه‌ی با آن روز نیست.

وقتی که صحبت از درگیری و مقابله‌ی با دشمنان صریح جمهوری اسلامی میشود، بعضی‌ها ایراد میکنند که «آقا! چرا همیشه میگویید دشمنی، همیشه میگویید مبارزه؟» اینها غفلت میکنند، توجّه ندارند. این مبارزه را آنها شروع کردند، آمریکا شروع کرد، دشمنان وابسته‌ی به آمریکا شروع کردند ؛ چرا شروع کردند؟ آمریکا چرا از ایرانِ جمهوری اسلامی این‌جور منزجر و ناراحت است ؛ چرا؟ علّتش واضح است ؛ برای خاطر اینکه ثروتهای این کشور، همه‌ی منابع مالی این کشور، در اختیار آمریکا بود، جمهوری اسلامی آمد آن را از اینها گرفت. امروز می‌بینید در آمریکای لاتین یک کشور (3) را محاصره میکنند، اقداماتی میکنند، خجالت هم نمیکشند، صریحاً میگویند برای نفت است و ما این کار را برای نفت میکنیم! [اینجا هم] برای نفت بود ؛ نفت ایران، معادن ایران، مزارع ایران. این دشتهای وسیع قزوین، دشتهای پُربار نزدیک تهران، دست صهیونیست‌ها بود و بتدریج داشتند توسعه میدادند. در منطقه‌ی خراسان

ما، یک منطقه‌ی بسیار وسیعی بین مشهد و قوچان را داشتند آماده میکردند که به بهائی‌ها بدهند، به عوامل صهیونیست و عوامل آمریکا بدهند. دستشان همه جا باز بود. جمهوری اسلامی آمد دست اینها را قطع کرد ؛ خب معلوم است، دشمن میشوند.

از روز اوّل هم دشمنی کرده‌اند و جمهوری اسلامی با اینها مقابله کرده، تا امروز هم دشمنی ادامه دارد. به فضل الهی، روزبه‌روز جمهوری اسلامی قوی‌تر شده. آنها اقدام کردند و شکست خوردند در از بین رفتن جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی بحمداللّه امروز سربلند، قوی، قدرتمند و آبرومند در دنیا است، بر خلاف خواسته‌ی آنها. بحث این است. در این چهل و چند سال، هر کاری توانستند کردند ؛ یعنی هیچ جور عمل خصمانه‌ای که ممکن بوده نسبت به یک مملکت انجام بگیرد، نبوده که انجام نگیرد ؛ حمله‌ی نظامی کردند، حمله‌ی امنیّتی کردند، تحریم اقتصادی کردند، حمله‌های فرهنگی کردند، آدمهای مزدور فرستادند، بعضی از افراد ضعیف‌النّفس را با پول در اینجا مزدور خودشان کردند ؛ در این سالها همه‌ی این کارها را کرده‌اند و شکست خورده‌اند، به جایی نرسیده‌اند. امروز بحمداللّه ایران به برکت جمهوری اسلامی [قدرتمند است] ؛ چون جمهوری اسلامی حاکم است ؛ اگر حکومتِ لیبرال‌دموکراسی بود، حکومتِ سلطنتی بود، از حکومتهای وابسته‌ی به این و آن بود، این‌جور نمیشد. این اسلام است، نظام مردمی است، نظام اسلامی است، یعنی جمهوری اسلامی است که توانسته است ایران را در علم، در فنّاوری، در هنر و ادبیّات، در سیاستهای بین‌الملل، در بسیاری موارد دیگر به پیشرفتهای بزرگی برساند. بعضی‌ها ــ البتّه غالباً خارجی‌ها شروع میکنند، بعد هم یک عدّه‌ای متأسّفانه در داخل از آنها تبعیّت میکنند، تعقیب میکنند ــ میگویند ایران منزوی است ؛ ابداً! ایران، دولت ایران، جمهوری اسلامی ایران منزوی نیست. اینها خودشان را فریب میدهند ؛ ایران منزوی نیست. ایرانِ امروز، به عنوان یک کشور مستقل و شجاع و دارای آینده در دنیا مطرح است. خیلی از این فعّالیّتها را جوانهای ما کردند.

من راجع به جوان ایرانی یک جمله‌ی کوتاهی عرض بکنم. البتّه همه‌ی جوانها مثل هم نیستند، همه‌ی مردم مثل هم نیستند ؛ بهتر، بالاتر، پایین‌تر، کمتربهتر، داریم ؛ در بین جوانها، در بین پیرها، در بین مردم، در بین روحانیّت، در بین دانشجویان و غیره، همه جور داریم امّا در مجموع که حساب میکنیم، جوان ایرانی بر خلاف دروغ‌گویی‌های دشمن، یکی از مهم‌ترین امتیازات ایران است ؛ یکی از مهم‌ترین امتیازات ما جوانهایمانند. در مواجهه‌ی با حوادث، امتیازاتی نیاز است ؛ امروز از مهم‌ترین امتیازات، جوانهای ما هستند. دشمن میخواهد جوان ایرانی را بد معرّفی کند ؛ میخواهد بگوید جوان ایرانی از لحاظ سیاسی منحرف است، وابسته‌ی به غرب است ؛ جوان ایرانی از لحاظ دینی منحرف است، به دین پشت کرده ؛ میخواهد بگوید جوان ایرانی از لحاظ اخلاقی لاابالی است، فاسد است ؛ از لحاظ روحی ضعیف است ؛ اینها را دشمن میخواهد بگوید. آنچه آنها درباره‌ی ایرانیان و عمدتاً جوانها میگویند و ترویج میکنند و در تحلیل‌هایشان می‌آورند، اینها است ؛ این تصویر صد درصد غلط است ؛ این‌جوری نیست. جوان ایرانی همان کسی است که در جنگ سلحشور است ؛ وقتی جنگ میشود سینه سپر میکند. در درگیری‌های مختلف، [از این] جوانهایی که به جبهه اعزام نمیشدند ــ چه در دهه‌ی ۶۰ [یعنی] در جنگ تحمیلی هشت‌ساله، چه در این جنگ، (4) چه در دفاع از حرم ــ چقدر بودند که می‌آمدند گریه میکردند، اشک میریختند، درخواست میکردند که ما را بفرستید، میخواهیم جهاد کنیم ؛ این سلحشوری است. [جوانها] آماده‌اند ؛ پس این تصویر صد درصد غلط است. من حالا دو سه نمونه از وضعیّت جوانهایمان را عرض کنم:

جوان ایرانی در جنگ سلحشور است ؛ در سیاست، روشن‌بین است، دشمن‌شناس است، آمریکا را می‌شناسد ؛ یک روزی بود که این‌جور نبود. در امور دینی دارای تقیّد است ؛ اعتکاف مال جوانها است، راه‌پیمایی‌های بیست‌ودوّم بهمن و روز قدس، در ماه رمضان با دهان روزه مال جوانها است ؛ عمده اینها هستند، اینها هستند که برنامه‌ریزی میکنند. جشنهای خیابانی برای نیمه‌ی شعبان، برای ولادت امیرالمؤمنین و امام حسین (علیه السّلام) که این چند سال اخیر باب شده، مال جوانها است، جوانها این کارها را میکنند. جشنها و عزاهای مذهبی سرشار از جوانها است. تشییع شهدا با دست‌اندرکاری جوانها است ؛ آنها هستند که از شهدا تجلیل میکنند، تمجید میکنند، آنها را بزرگ میدارند. جوانهای ما این[گونه] هستند. ماهواره‌هایی که آن روز گفتم (5) در یک روز سه ماهواره میفرستیم، (6)

این را جوانها میفرستند. تحقیقات دقیق علمی را در زمینه‌ی هسته‌ای، در زمینه‌ی سلّول‌های بنیادی، در زمینه‌ی نانو، در زمینه‌ی دارو و غیر اینها، جوانها انجام میدهند ؛ جوانهای ما اینها هستند. جوان مؤمن ما، چه در دانشگاه، چه در حوزه‌ی علمیّه، چه در غیر اینها، این خصوصیّات را دارد، واقعاً این‌جوری است ؛ هم حاضر است در جایی که لازم است ازخودگذشتگی کند، هم آماده است آنجایی که لازم است تحقیق و تدقیق کند، آنجایی که لازم است درس بخواند، آنجایی که لازم است در میدان سیاسی حضور پیدا کند ؛ جوان ما این[جور] است.
بله، کسانی هم هستند که کارشان تخریب است. دیشب در تهران، در بعضی جاهای دیگر، یک مشت تخریبگر آمدند ساختمان متعلّق به کشور خودشان را خراب کردند ــ مثلاً فرض کنید در فلان ساختمان، یک دیواری را خراب کردند ــ برای اینکه دل رئیس‌جمهور آمریکا (7) خوش باشد ؛ چون او یک حرف بی‌ربطی گفته که اگر چنانچه دولت ایران چنین کند، من می‌آیم طرف شما را ــ طرف این اغتشاشگرها و افراد مضر برای کشور را ــ میگیرم، اینها هم دلشان به او خوش است! او اگر میتواند، کشور خودش را اداره کند ؛ در کشور خودش حوادث گوناگونی وجود دارد. دست او به خون بیش از هزار ایرانی آلوده است. در جنگ دوازده‌روزه، هزار و اندی از هم‌میهنان ما ــ غیر از سرداران و دانشمندان و بزرگان ــ از آحاد مردم به شهادت رسیدند ؛ این شخص گفت که من دستور دادم، من در جنگ فرماندهی کردم! پس اعتراف کرد که دستش به خون ایرانی‌ها آلوده است. آن وقت میگوید من طرف‌دار ملّت ایرانم، یک مشت آدم بی‌تجربه و بی‌توجّه و فکرنکرده هم باور میکنند و قبول میکنند و طبق میل او عمل میکنند، سطل آشغال آتش میزنند، برای اینکه او خوشش بیاید. همه بدانند: جمهوری اسلامی با خون چند صد هزار انسان شریف روی کار آمده ؛ در مقابل کسانی که تخریبگرند، جمهوری اسلامی کوتاه نخواهد آمد، مزدوری بیگانگان را تحمّل نمیکند. شما هر کسی میخواهی باش ؛ مزدور بیگانه که شدی، برای بیگانه که کار کردی، ملّت تو را مردود میداند، نظام اسلامی هم تو را مردود میداند ؛ این مربوط به اینها. آن بابایی که با نخوت و غرور نشسته آنجا راجع به همه‌ی دنیا قضاوت میکند، او هم بداند که معمولاً مستبدّین و مستکبران عالم، از قبیل فرعون و نمرود و رضاخان و محمّدرضا و امثال اینها، وقتی که در اوج غرور بودند سرنگون شدند، این هم سرنگون خواهد شد.
جوانهای عزیز! دینتان را، فکر سیاسی‌تان را، حضورتان را، آمادگی‌هایتان را، جدّیّتتان در امر پیشرفت کشور را حفظ کنید، وحدتتان را حفظ کنید. وحدت را حفظ کنید ؛ ملّتِ یکپارچه بر هر دشمنی فائق می‌آید. (8) خداوند ان‌شاءالله شماها را حفظ کند، این آمادگی‌هایتان را هم حفظ کند. ان‌شاءالله به زودی زود، خداوند احساس پیروزی را در دلهای همه‌ی مردم ایران رواج بدهد.
والسّلام‌علیکم‌ورحمة‌الله

1. سفر جیمی کارتر به ایران در دهم دی‌ماه 1356
2 . صحیفه‌ی امام، ج 1، ص 213 ؛ سخنرانی در جمع روحانیّون قم (12/2/1342) ؛ «وای بر این مملکت، وای بر این هیئت حاکمه، وای بر این دنیا، وای بر ما، وای بر این علمای ساکت، وای بر این نجف ساکت، این قم ساکت، این تهران ساکت، این مشهد ساکت!»
3 . ونزوئلا
4 . جنگ دوازده‌روزه
5 . بیانات در دیدار خانواده‌ی شهید سلیمانی و شهدای جنگ دوازده‌روزه‌ی تحمیلی (13/ 10/1404)
6 . پرتاب سه ماهواره‌ی ایرانی «پایا»، «ظفر 2» و «کوثر» به فضا در هفتم دی‌ماه 1404
7 . دونالد ترامپ
8 . شعار حضّار: «ای رهبر آزاده! آماده‌ایم آماده.»